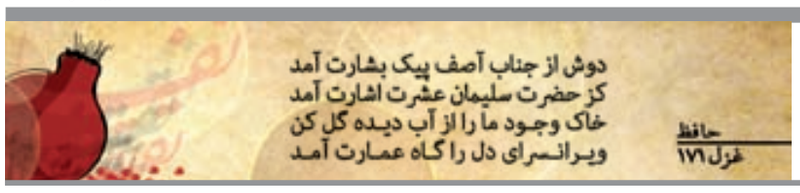

از آنها که به خود خیانت کردند، دفاع مکن
زیرا خداوند افراد خیانت پیشه
گنهکار را دوست ندارد نساء/۱۰۷

زیباترین عکس های سال از دنیای زیر آب

فرادید/ مسابقه برترین عکس های زیر آب در سال ۲۰۱۷ برگزار شد و برندگان آن معرفی شدند. «گابریل بارانتئو» با عکس کلوزآپی که از یک هشت‌پا در آب‌های جزیره «مایوت» در شرق قاره آفریقا گرفته بود، موفق شد عکاسان شرکت کننده از ۶۷ کشور جهان را شکست دهد و جایزه اول برترین عکس زیر آب امسال را به دست آورد. جدا از جایزه اول، جوایز و تقدیرهای دیگری نیز به چندین عکاس برتر شرکت کننده در مسابقات امسال تعلق گرفت که در ادامه تعدادی از آن‌ها را خواهید دید.

این عکس به عنوان برترین عکس زیر آب جهان در سال ۲۰۱۷ انتخاب شده است.

دور دنیا

رکورد روشن کردن شمع با پا!

گینس ورلد رکورد/ «آدریانا ارینه»، زن جوان مکزیکی که به صورت مادرزادی دست ندارد و سال هاست برای افراد ناتوان سخنرانی های انگیزشی برگزار می کند و آن ها را با وجود ناتوانی شان تشویق می کند تا از آرزوهایشان دست نکشند، توانست رکورد جالبی را به نام خودش در کتاب رکورد های گینس ثبت کند. او فقط در مدت یک دقیقه، ۱۱ شمع را با پاهایش روشن کرد. رکورد قبلی شامل هفت شمع در یک دقیقه بود.

هتل ۵ ستاره گربه ها!

بورد پاندا/ کمی دورتر از پایتخت مالزی «کوالالامپور»، در شهری به نام «دامان سارا» اولین هتل ۵ ستاره گربه ها ساخته شده است. این هتل دارای بهترین امکانات از قبیل زمین بازی، اتاق هایی با تخت های بزرگ، اتاق ماساژ و بهترین غذاهای دنیا برای گربه هاست! هر زمان که صاحبان گربه های خانگی تصمیم داشتند به سفر بروند می توانند گربه ها را هم برای تفریح به این مکان بیاورند.

«ژاکت فرودگاه» مناسب سفرهای پر وسیله!

آدیتی سنترال/ «کلر بنکی» و همسرش وقتی بعد از یک سفر اروپایی می خواستند به زادگاه شان، لس آنجلس برگردند متوجه شدند که تعداد زیاد چمدان هایی که به خاطر فرزندانشان برداشته بودند برای آن ها دردسر ساز شده است. این زوج آمریکایی ۱۴۰ دلار جریمه شدند و برای همین تصمیم گرفتند ژاکتی را طراحی کنند که قابلیت این را داشته باشد بیشتر وسایل را در خود جای دهد. ژاکت فرودگاه، با داشتن ۱۴ جیب عمیق، حدود ۱۵ کیلوگرم بار از قبیل تبلت و لپ تاپ را در خودش جای می دهد!

بریده کتاب

بدترین اتفاق پیری!

می‌دانی، این بدترین چیزی است که زمانی که پیر می‌شوی اتفاق می‌افتد. مسئله فقط این نیست که بدنت سر ناسازگاری برمی‌دارد، نه. این افسوس‌ها هستند. این که چطور تمام پشیمانی‌هایت برمی‌گردند و شکارت می‌کنند، عذابت می‌دهند. روز و شب... همیشه. زمانی می‌رسد که دیگر نمی‌دانی برای خلاص شدن از شر آن‌ها باید چشم‌هایت را باز کنی یا ببندی!

برگرفته از کتاب «با هم بودن همه چیز است» اثر آنا گاوالدا

تله‌گرام

نویسنده: سید مصطفی صابری

دی روزنامه

روز برفی خودمان را عشق است!

خدا را شکر که باز هم چشم‌مان به سفیدی برف روشن شد و از حس کردن سرمایش، دلمان گرم شد که به امید خدا کمی از خشکسالی‌های این سال‌ها جبران خواهد شد، البته اگر باز شیرها را تا ته باز نگذاریم! فقط امیدواریم این برف که برای عده‌ای باعث شادی است، برای عده دیگری باعث غم و درد نشود. یک گروه از خوشحال‌شوندگان این هوای برفی، دانش‌آموزان و معلم‌هایشان هستند. زمان تحصیل ما این همه امکانات نبود که یک هفته قبل از برف بفهمیم فلان روز مدرسه‌ها تعطیل هستند و اداره‌ها با تاخیر باز می‌شوند. آن زمان باید تا نصف شب بیدار می‌ماندیم و اخبار رادیو و تلویزیون را مثل عقاب رصد می‌کردیم تا بفهمیم فردا چه خبر است. آخر شب هم با رادیو به رختخواب می‌رفتیم و صبح خورشید نزده، دوباره دست به دامن رادیو و تلفن مدرسه و اداره که هیچ وقت جواب نمی‌دادند و حتی ۱۱۸ می‌شدیم تا بفهمیم امروز تعطیلیم یا نه. اگر تعطیل نمی‌شدیم که باید زنجیر چرخ به خودمان می‌بستیم و به مدرسه می‌رفتیم. اگر هم تعطیل می‌شدیم دیگر خواب از سرمان پریده بود و هیچی به هیچی!

ولی الان می‌توانیم از این فرصت تعطیلی‌ها استفاده‌های بهینه تری بکنیم. اگر به هر دلیلی تعطیل شده یا نشده‌ایم و حس اش نیست از خانه خارج شویم، می‌توانیم در خانه بمانیم و ضمن مطالعه شبکه‌های مجازی و لایک کردن عکس‌ها و کلیپ‌های برفی مردم، پیگیر اخبار تعطیلی فردا باشیم. همچنین با خیال راحت‌تری(!) ببینیم کدام شهر را سیل برده، کدام شهر زیر برف مانده، گرد و غبار کجاها را خفه کرده، چندتا تصادف شده، گاز چه مناطقی قطع شده، چندتا درخت روی ماشین‌ها افتاده، کدام سدها و پل‌ها شکسته‌اند در حالی که کانال‌های تخت جمشید بدون این که صدمه‌ای به بنایی وارد شود این‌قدر راحت سیلاب را از خودشان عبور داده‌اند! بعد هم به خیابان برویم و چند صدتا عکس محشر برفی بگیریم و آن قدر منتشر کنیم تا بقیه بیزار شوند!

همه چیز برای گذراندن یک روز خوب برفی مهیاست، مخصوصا اول برج است و حقوق‌ها هم در راه! لزومی هم به پارو کردن پشت بام و حیاط و پیاده‌رو و تکان دادن درخت‌ها و غذا ریختن برای حیوانات و کمتر گاز مصرف کردن نیست. چه کاری است خب؟ بقیه جور ما را می‌کشند. روز برفی خودمان را عشق است!

علیرضا کاردار

ما و شما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹

* من درسا خیری، کلاس اول هستم. فرفره رو دوست دارم. پیشنهادم اینه که از کاردستی که خودمون درست کردیم مسابقه بذارید.
* شماره فکس ما و شما رو می خواستم. می شه شعر طنز بفرستم یا یک جور همکاری کنم با شما؟ لطفا جوابم روزودتر بدید. ممنون از شما. احسان شهابی، مشهد

ما و شما: مطالب طنز خودتون رو به شماره فکس ۳۷۶۱۵۰۴۲ بفرستید و حتما روی برگه بنویسید مربوط به همشهری سلام. ضمناً می تونید به شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ تلگرام کنید. موفق باشید.

* جوانه، لطفا برای نوجوانان عزیزمان در صفحه خودشان ستون آشپزی هم بگذار!
* سلام فرفره، خیلی صفحه قشنگی هستی. مطالب جالبی داری، درباره بازی های بچه های امروزی با وسایل ساده و کارهای شخصی بچه ها هم بنویسید.
* خدایا بابت این همه برف شکر و سپاس. ازت ممنونیم.
* لطفا مطالب طنز رو بیشتر کنین و در کل همشهری سلام صفحه خیلی خوبیه. ممنون. حسین بدشت

سرنقطه

در محضر بزرگان

کلید ورود به مسیر تهذیب نفس

آیت‌ا... مکارم شیرازی درباره سکوت و اصلاح زبان و اهمیت آن نوشته‌اند: در بسیاری از روایات درباره این دو مسئله بحث شده و اهمیت فوق العاده‌ای برای هر دو بیان شده است و از نظر علمای اخلاق نیز این دو اهمیت ویژه‌ای دارند، تا آن‌جا که آن‌ها معتقدند سالکان راه حق بدون رعایت سکوت و بدون حفظ زبان از انواع گناهانی که به آن آلوده می‌شوند به جایی نمی‌رسند، هر چند در ریاضت‌های بدنی و روحانی و انجام انواع عبادات کوشا باشند. به تعبیر دیگر کلید ورود به مسیر تهذیب نفس و سیر الی ا... توجه به این دو موضوع است و آن‌ها که در این دو مرحله وامانند از وصول به مقاصد عالی محروم خواهند شد.

برگرفته از کتاب «اخلاق در قرآن» اثر آیت‌ا... مکارم شیرازی

داستانک

اشتباهات تکراری آقای رئیس

کارمندی به دفتر رئیس خود می‌رود و می‌گوید: «معنی این کار چیست؟ شما ۲۰۰ دلار کمتر از چیزی که توافق کرده بودیم به من پرداخت کردید.»

رئیس پاسخ می دهد: «خودم می‌دانم، اما ماه گذشته که ۲۰۰ دلار بیشتر به تو پرداخت کردم هیچ شکایتی نکردی.»

کارمند با حاضر جوابی پاسخ می دهد: «درسته، من معمولا از اشتباه های موردی می گذرم اما وقتی تکرار می شود وظیفه خود می دانم به شما گزارش کنم.»

فتو شعر

سفرنامه

ژاپنی‌ها خنگ‌ترین توریست‌های دنیا!

منصور ضابطیان، سفرنامه‌نویس و برنامه‌ساز تلویزیون، درباره مردم ژاپن، نکته‌ای جالب در سفرنامه‌اش آورده که خواندنی است:

ژاپنی‌ها آرام‌ترین، عجیب‌ترین و در عین حال خِنگ‌ترین توریست‌هایی هستند که می‌شود پیدا کرد! در برخورد با آن‌ها از این میزان خنگی حیرت کردم و نمی‌دانم چطور باید ثابت کنم که آن‌ها تا حد امکان، بی‌اطلاع و پرت هستند و چقدر راحت می‌شود سرشان کلاه گذاشت.

آن‌ها قبل از همه توریست‌ها از خواب بیدار می‌شوند. در هاستل‌ها (مسافرخانه‌ها) معمولاً همه تا ساعت ده می‌خوابیدند، اما ژاپنی‌ها بدون استثنا ساعت شش صبح، حمام‌کرده و لباس‌پوشیده، دم در آشپزخانه حاضر بودند. جالب این جا بود که صبحانه ساعت هشت سِرو می‌شد و آن‌ها یکی دو ساعت را یا توی لابی می‌گذراندند و یا به زبانی اعصاب‌خردکن با هم حرف می‌زدند. یکی از سرگرمی‌های اصلی ژاپنی‌ها این است که کله سحر به سراغ کمدهایشان رفته و با نایلکس‌هایی که توی کمد دارند، ور بروند. اگر در یک هاستل صبح زود از خواب بیدار شوید و از توی اتاقی صدای خش‌خش بشنوید، باید مطمئن شوید که حداقل یک ژاپنی در اتاق است. در یکی از روزهای اقامتم به یک دختر ژاپنی برخوردم که داشت توی آشپزخانه برای خودش ناهار درست می‌کرد. (ژاپنی‌ها حتماً خودشان غذا درست می‌کنند و اهل بیرون غذا خوردن نیستند) با هم شروع کردیم به گپ زدن. دخترک اهل «یوکوهاما» بود اما در لندن ادبیات انگلیسی می‌خواند. اما چه ادبیاتی؟ من پیش او شکسپیر بودم! از من پرسید: «از کدام کشوری؟» و من جواب دادم. شروع کرد به تکان دادن سرش، انگار که دارد مرا تحسین می‌کند و چند بار تکرار کرد: «اوه، ایران... ایران...» و زل زد توی چشم‌های من. طوری نگاه می‌کرد که من بال درآوردم و فکر کردم که اسم ایران او را به چنین تحسینی واداشته. لبخند زد و دوباره طوری گفت ایران که مطمئن شدم ایران سرزمین رویاهای اوست. برای این که خودم را لوس کرده باشم، پرسیدم: «می‌دانی ایران کجاست؟» و او گفت: «نه!» این نه، مثل آب یخی روی من ریخت تا جایی که دیگر به صحبت‌هایم ادامه ندادم. حسابی خیط شده بودم.

برگرفته از کتاب «مارک و پلو» اثر منصور ضابطیان

اندکی صبر

داستان عاشقی!

از جنگل
به کارگاه
چوب بری رفتند!
صندلی
نیمکت
میز
آن که عاشق تر بود
پنجره شد!

حمید جدیدی